

تاثیر نماز بر ابعاد شخصیتی و رفتاری جوانان در مقابله با فتنه‌ها در عصر حاضر

آزاده صیدی دمیه^۱

^۱ طلبه سطح ۳، مربی طرح امین مدرسه اسماء.

چکیده

جوانی یکی از مهمترین دوره‌های زندگی هر انسانی محسوب می‌شود، زیرا در این بازه زمانی جوانان به دنبال یافتن و شکل‌دهی به هویت شخصیتی خویش قدم برمی‌دارند و الزاما داشتن امنیت روحی، روانی و رفتاری تاثیر بسیار زیادی در شکل‌گیری ابعاد شخصیتی جوانان دارد، اما بسیاری جوانان از این پیچیدگی‌ها و ظرافت‌ها اطلاع چندانی ندارند. یکی از مهمترین راه‌های موثر در احساس امنیت روحی و روانی و کسب آرامش و همچنین آگاهی جوانان در شرایط موجود در جامعه، خانواده و حتی نیازهای فردی و شخصی و مقابله با هوی و هوس‌های نفسانی و فتنه‌های دشمنان در انحراف آنها، ارتباط مستقیم و بی‌واسطه جوانان با پروردگارشان، نماز است. نماز آنچنان عظمتی دارد که خداوند عزوجل آن را به عظمت توصیف می‌کند و چنین مقدر کرده که به برکت نماز انسان در دنیا و آخرت سعادتمند و از حیات طیبه برخوردار بشود. قرآن کریم به پرورش شخصیت انسان‌ها و ایجاد تغییر در رفتار آنان خصوصا در ایام جوانی روش کار و ممارست عملی در زمینه افکار و عادت جدید رفتاری را که در نظر دارد در نفوس آنان تحکیم بخشد به کارگرفته است. لذا نماز به عنوان یک فریضه واجب و قطعی ضمن آنکه بر همگان ضروری است می‌تواند تحریف‌ها و توطئه‌های شکل گرفته از سوی رسانه‌های معاندین را بزدايد و در مسیر از بین بردن مشکلات گام بردارد و این امر مهم در صورتی محقق می‌شود که جوانان درباره نقش و تاثیر نماز در وجود و پیکره آنها در لحاظ: اخلاقی، رفتاری، روحی و روانی و جنبه‌های مختلف تربیتی آگاهی کامل و مبسوطی داشته باشند و در مداومت به این امر مهم و ضروری دین کوشا باشند.

واژه‌های کلیدی: نماز، جوان، شخصیت، رفتار، فتنه

۱. مقدمه

نماز والاترین و بهترین عبادات است همانگونه که بسیار در روایات متعدد از نماز به عنوان ستون دین یاد شده است که هرگاه مورد قبول واقع بشود همه عبادات دیگر نیز مقبول درگاه الهی می شوند. همانگونه که حضرت امیرالمومنین علی فرمودند: «وَصِيكُمْ بِالصَّلَاةِ الَّتِي هِيَ عَمُودُ الدِّينِ وَ قَوَامُ الْإِسْلَامِ فَلَا تَغْفُلُوا عَنْهَا». شما را سفارش می کنم به نمازی که ستون دین و قوام اسلام است، پس از نماز غافل نشوید [۱].

تحقق نماز دارای دو بعد ظاهر و باطن است که در متون دینی به هر دو جنبه اشاره شده است. بعد ظاهری نماز با اعمال مخصوص انجام می گیرد و حفظ آن نیز فرض و واجب است اما روح و باطن نماز عبارت است از: اخلاص، حضور قلب، ذکر خداوند و تعظیم در مقابل او، امید و دل بستگی به ذات ربوبی، اعتماد به وجود سرمدی و محو شدن در مقابل ذات یکتایی که در مقابل عظمت و جلالت او قیام نموده ایم. در عین حال بر هیچ کس این امر پوشیده و مستور نیست که در شکل گیری شخصیت هر فرد، سنین جوانی از جایگاه ویژه و مهمی برخوردار است، به عبارت می توان گفت که ثبات شخصیت هر انسانی در این سنین آغاز و به هر صورتی که شکل بگیرد غالباً به همان صورت قوام یافته و تثبیت می گردد. از این رو در تمام عمر و طول حیات انسانی هیچ برهه زمانی مهمتر از سنین جوانی نیست، همانگونه که پیامبر عظیم الشان اسلام در تکریم و احترام جوانان فرمودند: «فضیلت و برتری جوان عابد که از آغاز سنین جوانی خدا را عبادت کند، بر پیری که وقت کهولت و پیری مشغول عباد گردد، همچون فضیلت پیغامبران بر سایر مردم است.»

در عصر حاضر نماز با محور بیان امر الهی در قرآن کریم و نقش بسزای آن در استحکام خانواده و جامعه و حتی فرد به فرد از جنبه های گوناگون رفتاری، اخلاقی، روحی و روانی، اتحاد و... یکی از مهمترین و تاثیرگذارترین راه کارهای مبارزه با فتنه های دشمنان انقلاب و نظام اسلامی بشمار می رود. در مسیر آگاهی از تاثیر نماز بر ابعاد شخصیتی و رفتاری جوانان در مقابله با فتنه ها در عصر حاضر، ابتدا بایستی عناصر تبیین گر و تاثیرگذار در این راستا (والدین، روحانیون، و مربیان دانشگاه ها و مراکز آموزشی و فرهنگی و تک تک افراد جامعه و...) جایگاه نماز و اهمیت آن برایشان تبیین گردد تا بدانند این امر واجب و دستور الهی که بسیار در آیات کریمه قرآن و روایات بر آن تاکید فراوان شده، چه دستاوردهایی در پرتوی آن شکل می گیرد و دشمنان به چه دلایلی بر این ارزش ها حمله ور می شوند و آنها را نشانه رفته اند و جوانان را از این امر مهم و اساسی دور می سازند. با تمهید مقدمات و مطالبی که ذکر شد می توان گفت که سوال اصلی ما در مقاله حاضر این است که نماز چگونه بر ابعاد شخصیتی و رفتاری جوانان تاثیر می گذارد و آنها در مقابله با ناهنجاری ها و فساد و عوامل تخریب گر جامعه و علی الخصوص در مقابله با فتنه های معاندین در عصر حاضر ایمن می سازد. و در عین حال می خواهیم فرضیات مختلفی را در رابطه موضوع مورد نظر مطرح کنیم که رابطه ای بین نماز خواندن و بروگرایی شخصیت جوانان، اعتماد به نفس جوانان، روابط اجتماعی و رفتاری پسندیده و باثبات جوانان وجود دارد. هدف مقاله حاضر نیز آشنایی با نقش و تاثیرات نماز بر ابعاد شخصیتی و رفتاری جوانان در مقابله با فتنه ها در عصر حاضر به روش توصیفی و تحلیلی تدوین شده است. با توجه به اینکه اکثریت مردم ایران مسلمان و نماز یکی از واجبات دین بشمار می آید و همچنین نقش قشر جوان در جامعه از پررنگ ترین نقش هاست باعث ترغیب اینجانب جهت پیگیری موضوع نماز و تاثیر این مهم در شخصیت و اعتماد به نفس قشر جوان گردید.

۲. فلسفه نماز

واژه نماز در متون دینی ما به عنوان صلاة یاد شده و دارای معانی متعددی است که یکی از آن معانی عمل عبادی مخصوص به نام نماز در دین اسلام تشریع شده است. نماز به معنای خم شدن، سرفروود آوردن برای ستایش پروردگار، احترام و اظهار بندگی و اطاعت است. واژه قرآنی «صلاة» از ریشه «ص ل و» و جمع آن صلوات به معنای دعاست [۲]. مراد ما از معنای نماز همان معنایی است که با طریق مشخص و با ارکان مخصوص و جزئیات معین از طرف شارع مقدس، حقیقت پیدا کرده است و پیامبر

اسلام حقیقت نماز را در عمل تشریع و خود آن را تحقق عملی بخشید. همه مسلمانان نیز موظف هستند که نماز را شبانه‌روز پنج بار اقامه کنند.

فلسفه نماز در حقیقت آشنایی با اسراری است که در این امر الهی و عمل عبادی نهفته است و این مطلب نیز برای ما بدیهی است که هیچگاه پروردگار عالمیان دستوری را بدون حکمت و علتی بر بندگانش واجب نمی‌سازد و اگر حکمی از جانب حق متعال برسد یا واجب، یا حرام، یا مستحب یا مکروه است. در اینجا بیشتر می‌خواهیم بدانیم که چرا باید نماز بخوانیم و در اصل حقیقت نماز چیست که با این آشنایی به سراغ تأثیرات و نقش نماز در عناوین بعدی برویم.

پدیده‌های نظام عالم تماماً خلق شده ذات حق بوده و همه مخلوقات از جمله انسان از فیض خداوند متعال وجود یافته‌اند و در مقام حدوث بلکه در مقام بقاء نیازمند و محتاج او هستند. پس خداوند هم خالق و رب است و همه مخلوقات به خالقیت و ربوبیت او اعتراف دارند، از این رو انسان هرگونه شرک را از او نفی می‌کند و الزاماً فقر خویش و غنای خالق، کوچکی خود و عظمت رب را اظهار می‌نماید و رمز نماز نیز در همین است که بنده اظهار عبودیت و بندگی می‌کند.

امام رضا در روایتی می‌فرماید: «كَتَبَ الرَّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ فِيمَا كَتَبَ مِنْ جَوَابِ مَسْأَلِهِ: أَنَّ عِلَّةَ الصَّلَاةِ أَنَّهَا إِفْرَارٌ بِالرَّبُّوبِيَّةِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ خَلْعُ الْأَنْدَادِ وَ قِيَامُ بَيْنِ يَدَيِ الْجَبَّارِ جَلَّ جَلَّالُهُ بِالذَّلِّ وَ الْمَسْكَنَةِ وَ الْخُضُوعِ وَ الْإِعْتِرَافِ وَ الطَّلَبِ لِلْإِقَالَةِ مِنْ سَالِفِ الذُّنُوبِ وَ وَضْعُ الْوَجْهِ عَلَى الْأَرْضِ كُلِّ يَوْمٍ إِعْظَامًا لِلَّهِ جَلَّ جَلَّالُهُ»

امام رضا در جواب سوال محمد بن سنان فرمود: حکمت نماز، اقرار به ربوبیت خداوند و شریک نگرفتن برای اوست. ایستادن در پیشگاه جبروت الهی با خواری و بیچارگی، افتادگی و اعتراف و درخواست بخشش گناهان گذشته است. صورت بر خاک نهادن در هر روز برای بزرگداشت خداوند جل جلاله است [۳].

انسان مرکب از عقل و شهوت است و در فرمان‌برداری او هیچ گونه اجباری وجود ندارد، بلکه با اختیار زندگی می‌کند و قطعاً دارای معاصی و گناهان متعددی هست، لذا پنج بار ایستادن در مقابل پروردگار در حال خضوع و خشوع به معنای اعتراف به گناه و طلب آمرزش گناهان و مغفرت در مقام عمل است.

انسان هر لحظه امکان دارد که هوای نفسش او را به غفلت و سرکشی سوق بدهد و به سمت و سوی غرور و خودخواهی، افزون‌طلبی و تمامیت خواهی بکشد، به همین روی بایستی در مقابل آن عاملی بسیار قدرتمند وجود داشته باشد که جلوی این رذایل را سد نموده و او را به سوی عزت و عظمت و کمال انسانی سوق بدهد که آن عامل مهم و اساسی نماز تنها عنصر بازدارنده از ذمائم اخلاقی است. چنانچه در روایت نقل شده است: «نماز سبب یادآوری خدا و دوری از غفلت و سرکشی و موجب خشوع، خضوع و فروتنی و خواهان طلب افزایش معنوی و مادی است»

سرشت انسان با نسیان و فراموشی عجین است و هر لحظه احتمال دارد که خودش و پروردگارش را از یاد ببرد و به این سبب راه نافرمانی و سرکشی را در پیش بگیرد و تمام عمر در پست و رذالت‌های اخلاقی سپری کند و کمال و تجلی انسانی را در زندگی حیوانی ببیند و بس و در همین مقطع است که نماز او را به مداومت بر ذکر خدا در شب و روز تاکید می‌کند تا بنده، خداوند متعال را فراموش نکند [۴].

بنابراین فلسفه نماز یعنی حضور در پیشگاه پروردگار عالمیان و اظهار بندگی و عبودیت و اقرار به ربوبیت خدای متعال و جاودانگی بر آن ذاتی است که موجب می‌شود انسان در پی اصلاح و سعادت خویش برآید و به کمال دست یابد.

۳. ارزش و جایگاه نماز در اسلام

نماز در اسلام از جایگاه خاص و ویژه‌ای برخوردار است و هیچ عمل دینی و عبادی با آن قابل قیاس نیست و اگر بخواهیم تعالیم و اوامر دینی را رتبه‌بندی کنیم، نماز در بالاترین مرتبه تعالیم دینی قرار دارد و آنچنان ارزشمند است که سایر ارزشهای دینی به هیچ عنوان در عرض آن قرار نمی‌گیرند. هرگاه شخصی درک و معرفت به ارزش و جایگاه نماز پیدا کند، هیچگاه در اقامه آن کوتاهی نکرده و آن را ترک نخواهد کرد.

در روایتی امام صادق در رابطه ارزش و جایگاه نماز فرمودند: «زمانی که انسان به نماز می‌ایستد رحمت الهی از آسمان بر او نازل می‌گردد و فرشتگان اطراف او را احاطه می‌کنند و فرشته‌ای می‌گوید: اگر این نمازگزار ارزش نماز را می‌دانست هیچ گاه از نماز منصرف نمی‌شد» [۵].

پروردگار متعال در شب معراج به پیامبر اسلام ۹ حقایق بسیاری را نشان داد که یکی از آن‌ها نماز بوده که به صورت محملی از نور که چهل نوع از انواع نور در آن بود و اطراف عرش خدا را احاطه کرده ظاهر گردید، از این روی آن سفیر الهی فرموده‌اند: الصلاة نور. نماز نور و روشنایی است [۴].

پس هر کس که با نماز انس بگیرد در قلمرو نور قرار دارد و آن کسی که از نماز فاصله گرفته همواره از نور دور افتاده و خود را در تاریکی و ظلمت قرار داده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تارکین نماز در تاریکی قرار دارند و چون به ارزش نماز در زندگی خود اهمیتی نداده‌اند نزد مسلمانان نیز فاقد اعتبار و ارزش اجتماعی بوده و ایشان را در زندگی دنیا و آخرت سعادت نمی‌خواهد بود. ارزش و شخصیت انسان به میزان اهمیت دادن او به ارزش‌های دینی است و مومن واقعی از غفلت و بی‌توجهی به تعالیم و ارزش‌های الهی و دینی مبرا است. لذا نماز را در دین جایگاهی بسیار بلند و رفیع است به منزله سر در بدن و روح در کالبد جسم، همانطور که بدن بی‌سر و جسم بی‌روح ارزشی ندارد، دین بدون اقامه نماز را هم خیر و برکتی نخواهد بود.

۴. تاثیر نماز بر ابعاد شخصیتی و رفتاری جوانان

در جوامع بشری جوانان تنها قشر منحصر به فردی هستند که بیشترین روحیه تاثیرپذیری را دارند. روحیه و حساسیت جوانان عامل اصلی توجه دستگاه‌های تبلیغاتی معاندین و فرهنگ‌های غربی برای سوق دادن آنان به انحرافات اخلاقی و فساد و ایجاد فتنه‌های گوناگون در جوامع اسلامی است تا اهداف پلید و خبیثانه خود را اجرایی کنند. از زمانی که غربی‌ها با تحقیقات و مطالعات گسترده خود به این نتیجه رسیدند که جوانان آسیب‌پذیرترین قشر هر جامعه بشمار می‌روند با تشکیل بنگاه‌های فرهنگی تبلیغی همه همت خود را برای اسیر کردن ذهن و روان آنها به فساد و تباهی تحت عنوان آزادی در جلوه‌های مختلف (پوشش، رهایی از حجاب اسلامی، بیان آزاد در هر رابطه‌ای حتی مقدسات و توهین به آنها و...) به کار گرفتند تا اینکه به مقاصد پلید و سلطه‌طلبی خود دست پیدا کنند. البته اگرچه غرب در القای فرهنگ خود به کشورهای اسلامی از راه‌های متعدد و در سطوح گوناگون وارد عمل شده، ولی تاریخ بهترین شاهد و گواه است که نفوذشان بیشتر از طریق جوانان تحصیل کرده و حتی رده بالا در منصب‌های اجرایی، دولتی و یا جوانانی که به مبانی دین آشنایی ندارند، صورت گرفته تا سقوط اسلام را ببینند همانند سقوط اسلام در اندلس (اسپانیا) یا سلطه غرب بر مسلمانان الجزایر بهترین نمونه تاریخی است.

حقیقت عبادات دینی علی‌الخصوص نماز در این نکته است که جوانان را موثرترین و کارآمدترین قشر در اجتماع انسانی بار بیاورد، زیرا احساس به یک تکیه‌گاه و پناه‌گاه محکم و امنیت و آسایش در پرتو آن، تنها عاملی است که می‌تواند به جوان اعتماد به نفس و اطمینان خاطر ببخشد و او را از اضطراب و تشویش ذهن رهایی بخشد. تمام گرفتاری‌ها و معضلات روحی و روانی که هویت جوان و ثبات شخصیتی او را در معرض خطر قرار داده ناشی از نداشتن یک امید و عدم دست‌یابی به یک پناهگاه دائمی و مستحکم است. از این رو راه‌کارهایی همچون آزادی بی‌قید و بند و روی آوردن به ارضای هواهای نفسانی و شهوانی و همچنین سوق یافتن آنها به سمت میخانه‌ها و مجالس فسق و فجور و طرق بسیار دیگر به عنوان پناه‌گاه جلوی روی

آنها شکل می‌گیرد. اما پس از روی آوردن به این ملجاءهای به ظاهر مستحکم، به واهی و خیالی بودنشان پی می‌برند و خود را در رفع نیازهای اصلی زندگی ناکام می‌بینند که همین زنگ خطری بسیار بزرگ برای جوانان عصر حاضر بشمار می‌رود [۶]. انسان در دوره جوانی، امور بسیار زیادی را تجربه می‌کند، اما تفاوتش نسبت به سایر افراد جامعه در این است که به صورت عاطفی و احساسی‌تر درصدد دست‌یابی به امر است که قلبش را بدان واسطه تسکین و آرامش ببخشد، اما به هر چیزی که روی می‌آورد پس از مدت زمان کوتاهی پی می‌برد که آن عامل و عنصر، حقیقی و واقعی نیست و ناکام می‌ماند. البته تشخیص این امور در ابتدای سنین جوانی بسیار سخت و دشوار است، چون شور و هیجان جوانان غالباً فرصت فکر و اندیشه اینکه انسان برای یک زندگی و حیات طولانی و اهداف متعالی خلق شده را از او سلب کرده و به همین خاطر او بعد از تجربه عملی، به پوچی و بی‌پایگی بسیاری از مأمنهایی که بدان پناه آورده است پی خواهد برد. و دشمنان دین خصوصاً غربی‌ها به خاطر درک همین نیازهای غریزی جوانان همواره در تلاش هستند تا این گرایش‌ها را به سمت و سویی که اهدافشان را تأمین کند سوق بدهند و آنها را از روح معنویت و امور دینی منحرف سازند.

کسانی که مدت مدیدی از طول عمرشان را در میان غربی‌ها گذرانده‌اند و در عصر حاضر نیز در میان آنها زندگی می‌کنند، نگرشان نسبت به هویت و شخصیت جوانان اینگونه است: «در راه و روش زندگی کنونی غربی گرایشی هست که افراد جامعه را به زندگی و حیات در زمان حاضر جدا و دور از همه تاریخ، گذشته و غرق شدن در خواستن پیشرفت‌ها و لذت‌های حسی لحظه‌ای وامی‌دارد. تمجید و ستایش قهرمانان ورزشی و تمایل به رکوردشکنی دایمی و برتری یافتن بی‌وقفه بر طبیعت، نشان دهنده یک بعد از این مشغولیات به تن و جسم است. در حالی که جنبه و بعد ویانگتر این گرایش‌ها را می‌توان در استفاده از مواد مخدر و همچنین مشروبات الکلی، روابط جنسی آزاد و بی‌بندوباری و نظایر این موارد که همه از تلاش نفس برای غرق کردن جوان در لذت‌های لحظه‌ای جسمی حکایت دارد. به وضوح این مطلب نمایان می‌شود که ورزش مستلزم انضباط و تلاش مستمر است و این از جهات مثبت آن بشمار می‌رود، اما بزرگ کردن هر چیزی بیش از حد ظرفیت و انتظار آن سبب انحراف و غفلت در امورات اساسی زندگی می‌شود و به هیچ عنوان بی‌ارتباط با اشتیاق به لذت‌جویی‌های جسمانی نیست که همه این عوامل متضمن از دست رفتن ایمان و اعتقاد جوانان به معیارهای دینی و اخلاقی است» [۶].

بنابراین جوانان مسلمان بایستی با تحصیل معرفت و دستیابی به علوم و آموزه‌های دینی که سرمد و قله تمام امور دینی نماز است خود را به آن مجهز ساخته و به دامی که معاندین و غربی‌ها بدان گرفتار آمدند، هویت و شخصیت خود را از دست ندهند.

حقیقت و اصل نماز به نیازهای روحی و تمایلات فطری و غریزی انسان برمی‌گردد و با یقین می‌توان بیان داشت که تمام امور عبادی و دینی و بخصوص نماز با تکامل انسانی در ارتباط هستند.

سید حسن نصر در این رابطه در اثر خود این مطلب را آورده است: «جان و جوهر پاسخ اسلامی به دنیای متجدد در جهات دینی، معنوی و فکری زندگی بشر نهفته است. همین جهات است که رفتار بشر و نحوه برداشت و تلقی او از جهان پیرامون رقم می‌زند. مهمترین پاسخ یک جوان مسلمان و گامی که باید او پیش از هر چیزی بردارد این است که وقت ایمان خود را حفظ کند و اعتمادش را به صدق و اعتبار وحی اسلامی از دست ندهد. دنیای متجدد به تدریج تباه شده و درصدد است همه آنچه را که مقدس و دینی است از میان بردارد و علی‌الخصوص با اسلام به عنوان دینی که از نگرش قدسی نسبت به حیات و قانون الهی در برگیرنده همه افعال و اعمال بشر عدول نکرده است، مخالفت دارد. اکثر مشرق‌ان غربی حدود دو قرن به اسلام به هر نحوی حمله‌ور می‌شدند و سعی بر این داشته‌اند تا به مسلمین یادآور شوند که دین خود را چگونه بفهمند» [۶]. تمام این موارد را برای این انجام می‌دهند، چون اسلام همانند سایر ادیان (مسیحیت، یهودیت، نصاری و...) تحریف نشده و متون واقعی آن در دست است و پاسخ همه معضلات و مشکلات را می‌توان در او جستجو کرد.

در عصر حاضر غرق شدن در جهان مدرن، تکنولوژی و سردرگمی در دغدغه‌ها و گرفتاری‌های روزمره زندگی نیز بر شدت اضطراب و فشارهای روانی در جوانان افزوده و آنها را به نوعی در تنهایی خاموش فرو برده است. حس مبهمی که گاه دلیل

واقعی آن در پس هزاران فکر و مشغله گم شده و حتی پول، مقام و قدرت نیز جایگزین آن نیست. از این رو آرامش و اطمینان، در جوانان امروزی به تدریج محو شده است که در آرزوی به دست آوردن آن می‌کوشد.

قرآن کریم راه رسیدن به آرامش و تسکین روح و روان انسان بخصوص جوانان که امروزه بسیار در معرض خطر از هر جهت و سمت و سویی هستند را به بشر معرفی نموده که «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/۲۸) همانا با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد. در این آیه به خوبی اشاره به این مطلب دارد که مومنین نه با به دست آوردن مال و ثروت خوشحال و مغرور می‌شوند، نه پیری سبب ناامیدی و نه جوانی و قدرت و سلامتی آنها را فریب می‌دهد، بلکه همواره یاد خدا را در دل دارند و همیشه ثابت قدم، مطمئن و استوار و خوشحالی و سرزنده به زندگی خود ادامه می‌دهند، چرا که یاد خدا قلب انسان را سرشار از اطمینان و آرامش می‌سازد همچون احساسات کودکی که زمانی برای مدتی هرچند کوتاه خود را از آغوش گرم مادر جدا می‌بیند، دچار اضطراب و ترس می‌شود، اما با دیدن مادرش انگار دنیا باری دیگر به او با مهربانی لبخند می‌زند و آرام می‌گیرد. نماز می‌تواند فرصت مغتنمی برای طلب آرامش و رفع مشکلات از ذات حق متعال باشد که نبایستی از آن غافل باشیم، زیرا عامل اصلی نگرانی و اضطراب به دلیل دوری انسان از خداست.

بنابراین تنها پناهگاه حقیقی برای جوانان، اتصال قلوبشان به پروردگار عالمیان است تا اینکه خود را بدان وابسته ببینند و از غیر او دل ببرند و طلب همه نیازهای خود را از او بخواهند و هدایت خوش را در عمل به دستورات و تعالیم خدای متعال بدانند و همچنین تعدیل شخصیت و هویت و تکمیل انسانیت خود را در انس و آشنایی با امور عبادی بخصوص نماز و تعالیم قرآن و دستورات اسلامی بجویند.

نکته حائز اهمیت در اینجا این است که باید بدانیم عامل به دست آوردن آرامش قلبی و چگونگی از بین بردن اضطراب و تبدیل آن به طمانینه و حس آرامش تضمین شده چیست؟ پروردگار عالمیان همانطور که در مطالب فوق اشاره کردیم با یک جمله کوتاه و مختصر پاسخ این سوال را به وضوح داده است که: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/۲۸). اما این کلام الهی برای بسیاری از افراد شاید مبهم بوده و تفسیر آن برایشان روشن نیست. در تبیین و تفسیر این آیه علامه طباطبایی می‌فرماید: «در این آیه تذکر و توجهی برای همه مردم است که قلب‌ها را متوجه و متمایل به ذکر و یاد خداوند سازند، چون هیچ تلاشی برای انسان در تمام طول عمرش نیست مگر برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت و دستیابی به نعمات الهی، و هیچ ترسی ندارد مگر ترس از غرق شدن در معضلات و گرفتاری‌ها و شقاوت، که خداوند تنها سبب و یگانه عاملی است که امور خیر در دست توانای اوست و همه خوبی‌ها به او برمی‌گردد. لذا توجه، اعتماد و اتصال به حق متعال موجب نشاط، شادابی و کمال مطلوب است و قلبها به یاد او از نگرانی‌ها، تشویقات ذهنی و روح یو روانی و اضطراب‌های روزمره مطمئن می‌شوند و تسکین و آرامش می‌یابند.»

در روایتی نقل شده که وقتی این آیه مبارکه «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» بر پیغمبر اسلام ۹ نازل شد، حضرت به اصحابش فرمود: آیا می‌دانید مفهوم این آیه چیست؟ اصحاب گفتند: خداوند و رسول او بهتر می‌دانند. حضرت فرمود: کسی که خدا و رسول او و اهل بیت و پیروان و شیعیان ما را دوست بدارد [۷].

با توجه به مطالبی که بیان شد می‌توان به صراحت بیان کرد که در تمام اعمال عبادی، نماز بارزترین مصدا ذکر و یاد خداوند متعال است. نماز، فرد واقعی و مصداق حقیقی ذکر الهی است، زیرا نماز امری است که در همه شرایع و ادیان الهی جزء فرائض و واجبات بوده و حق متعال در قرآن کریم نیز تصریح کرده که مراد از ذکر الهی، نماز است: «اقم الصلاة لذكرك» نماز را بپا دار تا به یاد من باشی. (طه/۱۴) همچنین در آیه دیگر می‌فرماید: «و لذكر الله اكبر» نماز بزرگترین ذکر الهی است. (عنکبوت/۴۵). دلیل اینکه نماز را برترین مصداق ذکر حق متعال یاد کرده این باشد که در حال قیام به نماز، نفس آدمی به سبب التفات و توجه به مبدأ اعلی خدای عزوجل از اضطراب و تشویش درونی دور شده و سختی‌ها و مشکلات و گرفتاری‌های روزمره را از یاد می‌برد و شاید وجه کمک گرفتن از نماز در آیه: «استعينوا بالصبر والصلاة» (بقره/۴۵) از صبر و نماز استعانت بجوئید، همین باشد.

در آیه مبارکه قرآن کریم خداوند می‌فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ» (مائده/۹۱)

شیطان قصد آن دارد که به وسیله شراب و قمار، میان شما عداوت و کینه برانگیزد و شما را از ذکر خدا و نماز باز دارد، پس شما آیا از آن دست برمی‌دارید؟

در تفسیر آیه مبارکه این مطلب بیان شده است که: «به این دلیل خداوند در این آیه نماز را جدای از ذکر حق متعال اسم برد، با التفات به اینکه نماز هم ذکر خداست که نماز فرد کامل از ذکر الهی است و خدای عزوجل اهتمام بیشتری به امر آن دارد و در روایت صحیح هم وارد شده که نماز پایه و ستون دین است» [۷].

لذا تردیدی در این مطلب نیست که یاد خدا آرام بخش دلها از اهمه ناامیدی‌ها و ناآرامی‌ها و اضطراب‌های زندگی جوانان و افراد مختلف جوامع بشری بوده و نماز روشن‌ترین و بهترین مصداق و فرد اکمل از ذکر الهی است. همچنین می‌توان نتیجه گرفت که نماز تنها عامل بازدارنده از همه لغزش‌ها و انحرافات مختلف از جمله: فساد، انحرافات اخلاقی و اجتماعی و رفتارهای ناهنجار و گرایش‌های منفی نسبت به دین و تنها تکیه گاه امن و مستحکم برای جوانان است که هرگز نفس خویش را از افتادن در مهلکه حوادث مصون نمی‌بینند و شاید به همین دلیل باشد که در قرآن کریم کمتر عبادتی همچون نماز مورد اهمیت قرار گرفته تا آنجا که حدود ۱۱۴ مورد این واژه در قرآن بکار رفته و در ۱۵ مورد به صراحت امر به آن شده است.

در صد و درستی ادعای ما همین روایت بس است که جوانی از انصار نماز را با پیامبر اسلام بجا می‌آورد و با این وصف آلوده به گناهان بسیاری نیز بود، این مطلب را خدمت پیغمبر اکرم بیان داشتند، و حضرت در جواب آنها فرمودند: «ان الصلاة تناء يوما» نماز روزی او را از این اعمال ناشایست پاک می‌کند [۸].

همانگونه که در مطالب پیشین بیان کردیم نماز انسان را از اعمال زشت و انحرافات و گرایش‌های باطل و منفی دور می‌کند و در قرآن و روایات و سنت عامل دوری انسان از فحشا و منکرات و فتنه‌انگیزی و...؛ شمرده شده است، اما با این اوصاف و آثار سازنده نماز چرا بسیاری از افراد بخصوص جوانان چنین آثاری در زندگیشان مشهود و نمایان نیست و همچنان به گرایش‌های منفی روی می‌آورند و فریب نقشه‌های فتنه‌انگیز معاندین و دشمنان دین اسلام را می‌خورند و راه و روش و شیوه آنها را (آزادی بی‌قید و بند و رهایی از حجاب و پوشش اسلامی، گرایش به امور غیراخلاقی و انحرافات جنسی و...)؛ در زندگی در پیش می‌گیرند. که قرآن نیز می‌فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت/۴۵) حال این سوال پیش می‌آید که چرا بسیاری از جوانان نماز می‌خوانند، اما باز به گناهان و زشتی‌ها، فساد و تباهی رو می‌آورند؟ و اگر آثار نماز، نورانیت قلب و طهارت باطن است، پس چگونه قلب پاک و طاهر، آلودگی و زشتی‌ها را می‌پذیرد؟ این سوال‌هایی است که خیلی از جوانان درگیر حل این مسئله هستند و به هر نحوی به پاسخ قاطع و حقیقی نمی‌رسند و آن را به روشنی درک نمی‌کنند از این رو حتی از نماز نیز بخاطر اینکه آثارش را در زندگی نمی‌بینند و یا از آن غفلت دارند، روگردان می‌شوند و بیش از پیش گرفتار تباهی و گناه می‌شوند.

در پاسخ به این سوال اقوال متعددی بیان شده که در اینجا از فرمایشات ارزشمند علامه طباطبایی در رد اقوال متعدد مفسرین و بیان قول مستدل خود علامه در برابر آنها مطالبی را به صورت فشرده بیان می‌کنیم:

منظور از نماز در آیه مبارکه «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت/۴۵) به معنای دعاست و مراد دعوت کردن و تشویق نمودن مردم به امر الهی است و مفهوم آیه اینگونه می‌شود: قیام کن به دعوت کردن مردم به سوی دستورات الهی که این امر الهی مردم را از فحشاء و منکرات دور می‌سازد، که این قول صحیح نیست چون با ظاهر آیه سازگار نیست. بعضی دیگر قولشان این است که: قسمی از نمازها دارای چنین آثاری می‌باشند اما همه نمازها چنین انعکاس و بازتابی ندارند. عده‌ای دیگر بیان داشتند که نمازگزار مالم که مشغول نماز است اثر دوری از گناه در او ایجاد شده و بعد از اقامه نماز این اثر و فایده مترتب نیست، یعنی اثر نماز که دوری از منکرات و زشتی‌ها باشد مقطعی و زودگذر است. برخی دیگر از مفسرین نیز در دفع اشکال مورد نظر گفته‌اند: نماز را برای این اقامه می‌شود که به یاد خدا بیفتیم چنانچه خدای متعال فرمود: اقم الصلاة لذكرك، نماز را برای یاد و ذکر من بپا دارید. و کسی که به یاد خدا باشد قطعاً کارها و اعمالی که مورد رضای خدا

نباشد، انجام نمی‌دهد و اگر کسی را می‌بینیم که نماز می‌خواند باز دست به گناه می‌زند و او اگر نماز نخواند قطعاً و یقیناً گناه و معصیت بیشتری را انجام خواهد داد. در برخی افراد نماز همین مقدار تاثیر می‌گذارد که آنها گناه و معصیت کمتری را مرتکب می‌شوند.

سخن علامه طباطبایی که مستدل‌ترین و بهترین پاسخ به این اشکال مطرح شده می‌باشد این است که ایشان ضمن رد و کافی نبودن اقوال مزبور چنین می‌فرمایند: «آنچه از ظاهر آیات نماز برمی‌آید این است که اگر دستور بر این دادند که مردم اقامه نماز کنند به این دلیل بود که نماز آنان را از فسق و فجور و فساد باز می‌دارد و این تعلیل می‌فهماند که نماز عملی عبادی است که انجام آن صفتی در روح پدیدار می‌سازد همانند پلیس غیبی که صاحبش را از فحشاء، زشتی، فساد، تباهی، گرفتاری‌ها و اضطراب‌ها دور و قلبش را از معاصی و منکرات پاک و تطهیر می‌سازد. لذا اثر طبیعی نماز دوری از گناهان است به نحو اقتضاء نه علت تامه دروی باشد. به این معنا که این آثار در همه نمازگزاران وجود دارد، اما به نحو اقتضاء نه به نحو علت. بنابراین اینکه گفته شد در بعضی افراد و مصادیق نماز این اثر مطرح است نه در همه نمازها صحیح نیست و همچنین اثرش فقط در حال نماز است نیز قول درستی نیست بلکه اثرش دائمی و همیشگی است و همینطور اقوال دیگر با این استدلال که نماز این آثار بازدارندگی را در زندگی نمازگزار به صورت مطلق ایجاد می‌کند یعنی هم این اثر کلی است و هم دائمی هم رد می‌شود. اما در حد اقتضاء نه در حد علت تامه که وقتی اقتضاء شد موانع باید بطرف گردند تا اثر ظاهر بشود [۷].

پس نتیجه می‌گیریم که آثار دوری از رذایل اخلاقی و تمایل به انحرافات و پاک شدن از آنها در نماز، زمانی است که موانعی بر سر راه آن بوده و آن موانع جلوی تاثیرش را سد کرده رفع شوند، لذا هرگاه نماز آثار مثبتش برای نمازگزار حاصل نشد، بی‌تردید موانعی در آن دخیل هستند که نخست باید آن موانع را شناخت سپس در رفع آنها باید کوشید. در واقع مطالعه در زندگی افراد نمازگزار و تارکین نماز، موید این مطلب است که آنانکه به نماز اهمیت می‌دهند نسبت به حلال و حرام الهی مقیدند و از رذایل اخلاقی و زندگی بی‌قید و بند دوری جسته، و حجاب اسلامی و پیروی از دستورات الهی و آموزه‌های دین مبین اسلام را مبنای زندگی خود قرار داده‌اند و کسانی که نسبت به نماز بی‌توجه هستند و یا تارک نمازند، به همان اندازه در مقابل گناهان و انحرافات و توطئه‌های معاندین تمایل نشان می‌دهند و دچار تباهی و ضلالت و گمراهی می‌شوند همانگونه که در عصر حاضر خیلی از افراد اغتشاش‌گر در مقاطع مختلف انقلاب اسلامی گرفتار توطئه‌ها و فتنه‌های دشمنان شدند و در راستای عملی کردن خواسته‌های نامعقول و باطل آنها برآمدند، چون با دور شدن از نماز و ذکر یاد خداوند متعال دچار آلودگی قلب و دل از لحاظ عملکرد رفتاری و اخلاقی و بی‌ثباتی در فکر و اندیشه می‌شوند و به سادگی فریب می‌خورند و به انحرافات متعددی کشیده می‌شوند.

مرحوم علامه فشارکی در کتاب عنوان الکلامش نوشته است: «روزی حضرت عیسی به روستای رسید، دید که روستا خراب شده و مردم آنجا متفرق شده‌اند، عرض کرد خدایا بر سر اهالی این روستا چه آمده است؟ در حالی که مدت زمان کمی قبل از اینجا عبور کرده بودم و بسیار خوش آب و هوا و سرسبز و آباد بود، اما الان اینگونه خراب شده است؟! از جانب حق متعال خطاب رسید که تارک الصلواتی از این روستا عبور نموده و روی خود را شست، آن آب بر زمین این روستا ریخت، از شومی آن آب دست بی نماز که در مسیر روستا در جریان بود، سبب شد روستا به طور کامل خراب شود و اهالی آن پراکنده شوند [۹].

با توجه به این روایت و داستان در عصر حاضر ببینید خداوند متعال چقدر نسبت به بندگانش رؤف و مهربان است که با وجود این همه بی‌نمازی و توهین به مقدسات و سوق یافتن به انحرافات و رذایل اخلاقی و فساد و فحشاء و... باز منع فیض و احسان نمی‌نماید. اما به وضوح می‌توان دریافت که یکی از مهمترین دلایل مشکلات فعلی جوامع اسلامی و گرفتار شدن به فتنه‌های مختلف از سمت و سوی معاندین و مخالفین اسلام همین بی‌نمازی و رواج آن بین افراد جامعه بخصوص جوانان است که آنها را در دین و دیانت دور ساخته و به راحتی اسیر تفکرات و اندیشه‌های غربی و فتنه‌های آنها می‌شوند و خود را برای نجات از مشکلات به شعار آزادی بی‌قید و بند و بی‌حجابی و سرسپردگی به اجنبی‌های بی‌دین می‌سپارند و به خیال بیهوده و باطل در این اندیشه هستند که با به دست آوردن اینگونه آرمان‌های توخالی و پوچ به تمام مقاصد خودشان می‌رسند، در حالی که پس از گذشت زمان می‌بینند اینها هیچ چیزی جز شعارهای بی‌جهت و توطئه‌های برنامه ریزی شده برای رسیدن معاندین به اهداف

شوم خودشان نبوده و این جوانان خودباخته که از دین و دیانت خود رو گردانده و دست به خیانت علیه جامعه و مردم کشور خود زده‌اند تنها و بی‌کس در غفلت و تاریکی فرو رفته و راهی برای رهایی نمی‌یابند.

در روایتی رسول اکرم می‌فرماید: «فَمَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ هَدَمَ دِينَهُ»؛ کسی که عمداً نمازش را ترک کند، به تحقیق که دینش را منهدم کرده است [۱۰].

باید توجه داشته باشیم که آنقدر بی‌نمازی در زندگی فردی، خانواده و جامعه تأثیرات بسیار مخربی دارد که اگر به آنها توجه و التفات داشته باشیم هیچگاه نماز را سبک نشمرده و در انجام این فریضه الهی کوتاهی نخواهیم کرد. برای درک این حقیقت یک روایت دیگر از رسول اکرم بیان می‌داریم تا برای آگاهی بیشتر جوانان در این موضوع مهم و اساسی دین راهگشا و آنها را تلنگری باشد.

در روایت دارد که شخصی خدمت پیامبر عظیم الشان اسلام ۹ رسید و شکایت از فقر و بدبختی خویش کرد. حضرت به او فرمود: مگر نماز نمی‌خوانی؟ عرض کرد: من پنج بار نماز در شبانه روز به شما اقتدا می‌کنم. حضرت فرمودند: مگر روزه نمی‌گیری؟ عرض داشت: سه ماه روزه می‌گیرم. حضرت بار دیگر فرمود: امر خدا را نهی و نهی خدا را امر می‌کنی؟ یا به کدام معصیت گرفتاری؟ عرض کرد: یا رسول خدا، حاشا و کلا که من خلاف فرموده خدا را بکنم. حضرت تاملی فرمود که ناگاه جبرئیل نازل شد و عرض کرد: ای رسول خدا حق تعالی سلام به تو می‌رساند و می‌فرماید: در همسایگی این شخص باغی است و در آن باغ گنجشکی آشیانه دارد و در آشیانه او استخوان بی‌نمازی می‌باشد که به شومی آن استخوان از خانه این شخص برکت برداشته شده و او را فقر گرفته است. سپس حضرت به آن شخص فرمود: برو آن استخوان را از آنجا بردار و دور بینداز که آن مرد هم فرموده حضرت را اجرا کرد و بعد از آن توانگر و مشکلاتش برطرف شد [۱۱].

غرض از بیان این روایات اشاره به اهمیت تجلی نماز در سیر وجودی و ملکوتی انسانی دارد که تا چه اندازه با نماز بودن و مانوس بودن با این عبادت می‌تواند در زندگی آدمی آثار مثبت دائمی و همیشگی بجا بگذارد از جمله روی آوردن به فضایل اخلاقی، تقویت اعتماد به نفس در جوانان و تمامی افراد جامعه اسلامی، دور ساختن ذهن از وسوسه‌های شیطان و توطئه‌ها و فتنه انگیزی‌های دشمنان علیه نظام و انقلاب و بطن اسلام که همیشه معاندین درصدد براندازی نظام ناب اسلامی بودند و از هیچ تلاشی فروگذار نکردند و به هر نحوی که شده از جوانان مسلمان سوء استفاده کرده و موقعیت‌های بد اقتصادی و اجتماعی که در آنها دچار گرفتاری‌ها و معضلات متعدد می‌شوند استفاده به موقع کرده و آنها را به بیراهه کشانده و در مسیر رسیدن به اهداف و مقاصد شوم و پلید خود آنها را بکار گرفته‌اند. نمونه بارز این اتفاقات بد و ناگوار در طول تاریخ مکرر پیش آمده که یکی از مثال‌های بارز آن، همین اغتشاشات اخیر در مملکت جمهوری اسلامی ایران که دست نشانده‌های نظام سلطه‌گر فاسد انگلیس و آمریکا و کشورهای منطقه از مشکلات پیش آمده و تحریم‌ها علیه ایران بهره‌برداری کرده و به هر نحوی مشکلات اقتصادی و اجتماعی و گاه فرهنگی نظام و حاکمیت را گره به آزاد ساختن مملکت نمودند که جوانان مملکت می‌توانند با آزاد ساختن خود از دین و دیانت اسلامی که سالها برای رشد آن تلاش شده به پاخیزند و آزادی بی‌قید و بند و بی‌حجابی را ملاک ارزش‌های انسانی بدانند و در پرتو فساد و فحشاء و تباهی خود و خانواده و مملکت خویش قد بردارند و تمام اینها ناشی از بی‌نمازی عده کثیری از این جوانان دارد که قلب و دلشان به روی ایمان خاموش شده و جای آن پلیدی و خبثت و فساد پر شده است که گوشی شنوا برای شنیدن حرف حق نداشته و به سوی خواسته‌های فتنه‌انگیزان روی آورده‌اند.

همه مسلمانان بایستی خصوصاً نسل جوان در همه فراز و نشیب‌های زندگی همانند پیشوایان خود عامل به دین باشند و نماز را که از ارکان دین است همیشه پابرجا بدارند و هرگز به هیچ بهانه‌ای از نماز فاصله نگیرند و آن را ترک نکنند که با این عمل مایه زینت رهبران دین و ائمه معصومین: بشمار آیند نه مایه زشتی و ناامیدی و ضلالت. همانگونه که امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق ۷ فرمودند: «کُونُوا لَنَا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْئًا» «سعی کنید که مایه زینت ما باشید نه موجب زشتی ما» [۱۰].

در آخر بحث تجلی و نمودار شدن آثار نماز در سیره بزرگان یک نمونه بارز را بیان می‌کنیم تا بدانیم اثر نماز باخلاص در زندگی تا چه اندازه است:

در زمان حکومت رضاخان به دنبال حرکت آیت الله حاج آقا حسین قمی به شهر ری که بخاطر اعتراض نسبت به جسارت‌های ضد مذهبی رضاخان صورت پذیرفت محل اقامت ایشان در جوار حرم حضرت عبدالعظیم بود محاصره شد، وی در یکی از شب‌ها به قصد زیارت به ماموری که نگهبان در باغ بود فرمود: در را باز کن تا به زیارت مشرف شوم. مامور از باز کردن در خودداری نمود و به درخواست‌های مکرر او گوش نداد و اعتنا نمی‌کرد. آیت الله قمی؛ خطاب به نگهبان فرمود: ما خود در را باز می‌کنیم و می‌رویم و احتیاجی به تو نداریم. سپس دو رکعت نماز به جا آورد و پس از آن دعایی خواند در این هنگام در باغ خود به خود باز شد و ایشان از باغ خارج گردید و پس از ورود به حرم مطهر و انجام زیارت به باغ بازگشت.

دلا بسوز که سوز تو کارها بکند
نماز نیمه شبی دفع صد بلا بکند [۱۲]

۵. راهکارها

بعد از بیان آثار و علل و عوامل و فلسفه وجودی نماز در ابعاد شخصیتی و رفتاری جوانان، راهکارهایی نیز در این بخش به اختصار بیان می‌داریم تا شاید بتوانیم با ارائه آن گام مثبتی برای قشر جوان عزیز جامعه اسلامی برداشته و اندکی از مشکلات دینی و مذهبی آنها را رفع کرده باشیم.

الف) نقش خانواده

خانواده مهمترین و تاثیرگذارترین محیط برای نسل‌های جوامع بشری است که در آن رشد و تکامل می‌یابند و اگر والدین و اعضای خانواده با مسئولیت باشند و در تربیت فرزندان و جوانان خود از بدو کودکی کوشا باشند و محیط سالمی را فراهم سازند در آینده نیز این فرزندان در سنین جوانی در راه دین و دیانت و مذهب خود به کج‌راه‌ها و بیراهه‌ها کشانده نمی‌شوند و به سبب تربیت صحیح دینی و اسلامی قدم در راه صحیح می‌گذارند و به رشد و تعالی در تمام درجات می‌رسند.

حضرت امیرالمومنین علی ۷ در نامه‌ای خطاب به فرزندشان امام حسن مجتبی می‌فرمایند: «فبادرتک «فبادرتک بالادب قبل أن یفسد قلبک و یشتغل لَبک» من پیش از آن که دلت سخت و فکرت مشغول شود به تأدیب و تربیت تو پرداختم [۱۳].

در روایتی دیگر از امام سجاد ۷ نقل شده است که ایشان فرمودند: «و أما حق و لَدک فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ مِنْکَ ، و مُضَافٌ إِلَیکَ فِی عَاجِلِ الدُّنْیَا بِخَیْرِهِ وَشَرِّهِ ، وَأَنْتَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلَیَّتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالذَّلَالَةُ عَلَى رَبِّهِ، عَزَّ وَ جَلَّوَالْمَعُونَةُ عَلَى طَاعَتِهِ ، فَأَعْمَلْ فِی أَمْرِهِ عَمَلٌ مَنْ یَعْلَمُ أَنَّهُ مُثَابٌّ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَیْهِ ، مُعَاقَبٌ عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَیْهِ»

«اما حق فرزندان این است که بدانی او از توست و با خوب و بدش در دنیا، منتسب به توست و بی گمان، تو درباره آنچه بر عهده ات است: خوب تربیت کردن او و او را به سوی خداوند عز و جلاهنمایی کردن و به فرمان برداری از خداوند یاری کردن، مسئولی. پس در کار او، همانند کسی عمل کن که می‌داند برای نیکی کردن به او پاداش می‌گیرد و بر بدی کردن به او مجازات می‌شود.» [۱۴].

نقش تربیتی خانواده تا این حد اهمیت دارد که تاثیر ویژه‌ای در آینده و سعادت افراد می‌گذارد، ولیکن از این نکته نباید غافل بود که برخی از جوانان نیز با تحصیل علم به حدی از تامل و دوراندیشی می‌رسند که به سبب مشورت با مشاوران و مربیان متدین و دلسوز و یا دوستان آگاه و متعهد، رفتار و آداب خانوادگی خویش را اصلاح نموده و به سمت کمال و سعادت انسانی خویش گام‌های بلندی را برمی‌دارند و این عده از جوانان جزء کسانی بشمار می‌روند که پدر و مادر مورد عاق آنان واقع می‌شوند.

ب) معرفت نسبت به نماز

بسیاری از قصور و کوتاهی‌های جوانان در مسائل دینی به دلیل عدم معرفت و شناخت کافی لازم نسبت به مبانی دینی است. بدیهی است که تلاش در هر عمل یمنوط به وجود انگیزه و هدف است که قبل از انجام آن عمل در فرد ایجاد شده باشد و هیچ انگیزه‌ای بدست نمی‌آید مگر با معرفت و علم و این مطلب بدیهی است هرچه قدر شناخت جوان در آن عمل بیشتر باشد با رغبت و تمایل بیشتری به سمت آن گام برمی‌دارد و قدرت و تواناییش در آن کار شدت می‌یابد.

عقیده ما بر این است اگر جوانان نسبت به نماز اطلاع دقیق و کافی داشته باشند و از برکات و آثار و فضایل آن مطلع باشند هرگز حاضر نمی‌شوند که چیزی را جایگزین آن سازند و یا آن را به هر بهانه‌ای ترک کنند و گرفتار و اسیر ضلالت و گمراهی بشوند. وقتی یک جوان مسلمان نسبت به نماز معرفت پیدا کند و یقین نماید که نماز پایه و ستون دین و ملاک اصلی تمایز کفار با او و همچنین مایه آرامش و سکون و خوشبختی و سعادت‌مندی او در دنیا و آخرت است، و او را در هر گونه آلودگی، پلیدی، فساد و گمراهی دور می‌سازد و آثار بیشمار مثبت روحی و روانی دیگر، چگونه راضی خواهد شد که این امر و فریضه مهم عبادی را با دیگر امور معاوضه کند و در آن قصور و کوتاهی بورزد. لذا اگر در نماز به مقدار کافی بینش حاصل شود هیچ انسان عاقلی آن را در زندگی و حیات خویش ترک نخواهد کرد زیرا کدام عاقلی است که سعادت خویش را با شقاوت و نیکبختی را با تیره روزی مبادله نماید.

(ج) دوری از سستی و تنبلی

تنبلی معلول یک سری عوامل و علل است که در واقع تنبلی همانند بیدقتی خود به خود وجود ندارد، بلکه سستی و تنبلی فقط نشانه یک اختلال یابی میلی است که باید علت آن را جستجو کرد. تجربه نشان می‌دهد که اکثر تنبل‌ها به علل عاطفی یا منشی تنبل هستند یعنی از لحاظ جسمی سالم و دارای هوش کافی می‌باشند اما کار خواسته شده از آنها متناسب با ذوق و نیازهای آنان نیست و در واقع این نوع از تنبل‌ها ناتوان از فعالیت نیستند. در حقیقت تنبلی یک بیماری نیست بلکه نداشتن یک انگیزه و علاقه درونی است که آن عامل درونی در فعالیت و عدم فعالیت جسم ظاهر می‌گردد.

یکی از روانشناسان در رابطه با سستی و تنبلی اینچنین گفته است: «در عمق هر فعالیتی یک گرایش درونی عاطفی وجود دارد که در نبود این گرایش درونی به امتناع و تنبلی تبدیل می‌شود. در حقیقت تنبلی اساساً فقدان علاقه است این عدم علاقه سبب انزجار او از کار خواسته شده می‌گردد [۱۵].

از دیدگاه دین نیز سستی و تنبلی بسیار نکوهش شده است و عنصر سستی و تنبلی از مهمترین عامل دوری از سعادت و خوشبختی بیان شده است.

حضرت امیرالمومنین علی^۷ فرموده‌اند: «من اطاع التواني ضيع الحقوق» «کسی که از سستی و تنبلی پیروی کند حقوق خود را در همه شوون زندگی ضایع کرده است».

رسول گرامی اسلام فرمود: نماز ستون دین است؛ پس کسی که نماز را عمداً ترک کند، دینش را ویران ساخته است و کسی که نماز را در وقتش نمی‌خواند، داخل در ویل، وادی در جهنم می‌افتد که خداوند متعال فرمود: «قَوْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» [۱۰].

از این روست که تنبلی و سستی در بجا آوردن نماز و حتی در اول وقت به تاخیر انداختن سبب آثار منفی در زندگی افراد می‌شود تا چه برسد که کسی به عمد نماز را ترک کند که آثار شوم آن هم در دنیا و آخرت گریبان گیر او خواهد شد.

(د) مجالست و همنشینی با دوستان صالح و نمازخوان

افراد در ابتدای سنین جوانی که شخصیت اجتماعی آنها در حال شکل‌گیری می‌باشد، آنچه در درجه اول حائز اهمیت است و مهمترین عامل در موفقیت و کسب سعادت آنها در دوره زندگی بشمار می‌رود انتخاب دوستان صالح و باتقواست. زیرا در زندگی اجتماعی تاثیر دوستان بسیار بیشتر از نقش اعضای خانواده در زمان کودکی است. یک دوست ناباب و بی‌دین در میان دوستان خوب و صالح همانند یک سیب گندیده است که در جعبه میوه گذاشته و به مرور زمان تمام سیب‌ها را آلوده و فاسد می‌کند. به همین دلیل در روایات زیادی از اهل بیت: نقل شده است که یک جوان باید در این امر حیاتی که تغییر سرنوشت او بر حول آن محور دور می‌زند بسیار مراقبت کرده و سنجیده عمل نماید.

حضرت امیرالمومنین علی^۷ می‌فرمایند: «مَنْ اتَّخَذَ أَخًا مِنْ غَيْرِ اخْتِبَارِ الْجَاهِ الاَضْطِرَّارُ إِلَى مُرَافَقَةِ الْأَشْرَارِ» هر که بدون آزمایش، برادری را انتخاب کند به ناچار به همنشینی با بدان دچار خواهد شد [۱۶].

با بیان همین مطلب روشن می‌شود دوست و رفیق تا چه اندازه می‌توانند در سرنوشت انسانی موثر واقع شوند و سیر زندگی را دچار تغییر کند. لذا جوانان بایستی در انتخاب دوست و همنشین خود بسیار حساسیت داشته و با ملاک‌های معین دینی و

اسلامی آنها را انتخاب کرده از جمله این معیارها: دارا بودن فکر و عقیده سالم؛ حسن خلق و فروتنی؛ عاقل بودن شخص؛ خوشنامی و شهرت داشتن به خوبی؛ صداقت و....

در روایت دارد که امام صادق ۷ فرمودند: « خَصْلَتَانِ مَنْ كَانَتْ فِيهِ وَ إِلَّا فَأَعَزُّ ثُمَّ أَعَزُّ ثُمَّ أَعَزُّ قِيلَ وَ مَا هُمَا قَالَ الصَّلَاةُ فِي مَوَاقِيتِهَا وَ الْمُحَافَظَةُ عَلَيْهَا وَ الْمَوَاسَاةُ. » [۱۴].

دو خصلت است که هر کس دارا باشد بسیار خوب و گر نه دور شو، دور شو، دور شو، گفته شد چیست آن دو؟ فرمود نماز در وقت با محافظت بر اوقات نماز و همراهی و همدردی با محتاجان و گرفتاران.

شرح مقصود اینست که با کسی رفاقت و معاشرت کنید که دین و اخلاق داشته باشد، علامت دین داری مواظبت بر نماز و محافظت بر اوقات نماز است و علامت حسن اخلاق همدردی و همراهی با محتاجان و فقراء است.

۵. نتیجه گیری

در مقاله حاضر مطالبی را پیرامون موضوع تاثیر نماز بر ابعاد شخصیتی و رفتاری جوانان در مقابله با فتنه‌ها در عصر حاضر، بیان داشتیم. در دین اسلام، نماز سرلوحه تمام امور عبادی است که از آن به عنوان ستون و پایه دین یاد می‌کنند. این عمل شبانه روز نپنج بار بر هر مسلمانی واجب و ضروری است و باید به وقتش آن را اقامه کند، که ترک این فریضه مهم بزرگترین گناه و معصیت در دین مبین اسلام بشمار می‌رود. نماز انسان را از هر گونه زشتی و پلیدی، گمراهی و ضلالت دور ساخته و در مقابل همه ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌ها و رذایل اخلاقی انسان را مستحکم و استوار می‌سازد.

جوانی که اهل نماز باشد و در بجا آوردن آن مداومت داشته و این فریضه مهم را سبک نشمرد و تمام شرایط و ضوابط آن را طبق دین مبین اسلام بجا بیاورد، آثار متعددی بر او مترتب می‌شود از جمله اینکه: به هیچ بهانه‌ای دروغ نمی‌گوید؛ حقوق کسی را ضایع نمی‌کند، در امانت دیگران خیانت روا نمی‌دارد، دنبال کسب حلال می‌رود و از کسب حرام فاصله می‌گیرد و همچنین همنوعان خودش را آزار و اذیت نمی‌رساند. از خیلی رذایل اخلاقی نیز دوری می‌کند: غیبت، تهمت و افتراء؛ کلمات زشت و قبیح، فحاشی، شهادت دروغ، تحقیر نکردن دیگران، کبر و غرور و بیشمار اوصاف پسندیده‌ای که سرلوحه زندگی خود کرده و اوصاف و رفتارهای ناشایست را از خود دور می‌کند. خلاصه اینکه نمازهای واجب برای جوانان و تمامی افراد جامعه اثر بخش است که می‌تواند همه اوصاف و اخلاق انسانی را در آنها ایجاد و تمام صفات زشت را از آنها دور سازد.

هدف از تبیین این مقاله این بود که برای جوانان این مطلب را روشن سازیم که نماز هیچ اختصاصی به دین اسلام ندارد بلکه هر مکتب و آئینی چنین برنامه‌ای را برای پیروان خود در نظر گرفته و نبود این فریضه عبادی در کنار برنامه اعتقادی در هر دینی نشانه بزرگترین ضعف در آن است و دقیقاً چنین است که هیچ مکتب دینی بدون وجود برنامه معنوی و عبادی پایدار نخواهد بود و این جهت قضیه است که دین مبین اسلام دوام و قوام می‌بخشد.

برای ما مسلمانان این امر به وضوح روشن است که فقط در تدوین برنامه‌های الهی و خصوصاً فریضه نماز سعادت و نیکبختی نهفته است و اقامه نماز متضمن کمال و سعادت زندگی بشریت است که این فریضه به شکل‌های مختلف در ادیان الهی گذشته نیز وجود داشت و آنان که در همان زمان بدان عمل می‌کردند راه درستی را طی می‌نمودند و دچار گمراهی و ضلالت نمی‌شدند. اما پس از ظهور اسلام نماز به صورت کامل در این دین مطرح و بیان گردید و اگر سعادت برای بشر در دنیا و آخرت باشد، در همین نماز نهفته است، نه شعارهای مکاتب غربی که با تبلیغات دامنه‌دار آزادی‌های بی‌قید و بند و بی‌حجابی و سرکشی در برابر دین و دیانت و بی‌پروایی در برابر دین اسلام و همچنین فتنه انگیزی در نظام اسلامی را به دنبال داشته باشد که جوانان مسلمان کشور جمهوری اسلامی ایران را به فساد و تباهی بکشانند و از این طریق پایه اسلام و نظام اسلامی را سست گردانند. پس بایستی به تعالیم اسلام و اعمال عبادی خصوصاً به نماز خود را مقید سازیم تا کمال و سعادت را برای خویش و جامعه خود تضمین کنیم.

منابع و مراجع

* قرآن کریم، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی دامت برکاته.

۱. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۳۶۶). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، موسسه آل البيت، قم، الاحیاء التراث، ج ۱، ص ۱۷۲.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. نشر: بیروت، دارصادر: داربیروت، ج ۱۴، ص ۴۶۴.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵). من لایحضر الفقیه. نشر: تهران دارالکتب الاسلامیه، ص ۲۴۱.
۴. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶). میزان الحکمه، نشر: موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر، قم، ج ۵، ص ۲۳۴ و ۳۷۶، ج ۱۰، ص ۲۳۴.
۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۵). اصول کافی. نشر: قائم آل محمد، تهران، ج ۳۶، ص ۲۶۵.
۶. حسین نصر (۱۳۸۴). جوان مسلمان و دنیای متجدد. مترجم: مرتضی اسعدی، نشر طرح نو، ص ۳۴۲، ۳۳۸ و ۳۵۲.
۷. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۸). تفسیر المیزان. نشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱۱، ص ۳۵۸ و ۳۷۰، ج ۶، ص ۱۲۳، ج ۱۶، ص ۱۳۸ و ۱۳۹.
۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸). مجمع البیان. نشر: دارالمعرفه - بیروت - لبنان، ج ۷، ص ۴۴۷.
۹. فشارکی، محمد باقر (۱۳۹۷). عنوان الکلام. نشر: وحدت بخش، ص ۱۴۳.
۱۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۶۸). بحارالانوار. نشر: دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، ج ۷۰، ص ۲۹۹، ج ۷۹، ص ۲۰۲، ج ۸۲، ص ۲۰۲.
۱۱. گلمیرزاده، سید حسین (۱۳۹۴). تحفه الواعظین. نشر: گسترش رایانه، ص ۱۱۹.
۱۲. بابولی، باقرزاده (۱۳۸۴). کرامات علماء. نشر: شهریار، ص ۱۶۴.
۱۳. سید رضی (۱۳۹۹). نهج البلاغه. نشر: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، کتاب ۳۱.
۱۴. ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق) (۱۳۸۵). خصال. نشر: کتابچی، تهران، ص ۵۶۸، ج ۱، ص ۴۷.
۱۵. پیرون، موریس دوپیس (۱۳۶۶). تفاوتهای فردی، روانشناسی اختلافی. مترجم: محمد حسین سروری، نشر: سخن، ص ۱۴۱ و ۱۴۲.
۱۶. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). غرر الحکم. نشر: دارالکتاب الاسلامی، قم، ص ۴۷.